

تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی ایران

جابر عناصری*

چکیده

در این مقاله، تأثیر تشیع بر ابنیه و اماکن مذهبی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. تشیع نه تنها بر نوع معماری و آیین‌بندی اماکن موجود اسلامی همچون مساجد تأثیر گذاشته، بلکه در ایجاد انواع دیگری از اماکن مذهبی همچون حسینیه، تکیه، سقاخانه، سقانفار / سقانتالار، آب انبار، امام زاده و زورخانه نیز تأثیرگذار بوده و نمادهای مذهبی به وضوح در این‌گونه اماکن تبلور یافته‌اند.

مقدمه

هرچند صرف عبادت به درگاه پروردگار در پایه‌گذاری این مکان هدف اصلی بوده، اما جنبه‌های اجتماعی و رویارویی مردم و همدلی و چهره به چهره شدن و

شیعه به متابعت از سیره رسول الله ﷺ و در نظر گرفتن تقدس اماکن دینی و مذهبی، بنیانگذار زیباترین ابنیه ویژه نیایش و عبادت در جهان اسلام است.

*. استاد دانشگاه و متخصص ایران‌شناسی.

جامعه‌شناسی تعاون و همیاری^(۱) و همفکری در انجام فرایض دینی و رعایت تشریفات مذهبی نیز مد نظر بوده‌اند.

ژرژگورویچ^(۲) جامعه‌شناس فرانسوی، می‌گوید: «هنگامی که تشریفات اجتماعی رو به زوال می‌گذارند، فضای آن تشریفات نیز رنگ می‌بازد.»

فضای الهی و نظرکرده این اماکن همیشه ایام روح‌بخش و دلنواز بوده است. به فرمان الهی و اطاعت حضرت محمد ﷺ، پیامبرگرامی، نخستین مسجد در مدینه‌النبی ساخته شد، اما اهل تشیع از همان روز، با توجه به دل‌سپاری به خاندان عصمت و طهارت ﷺ، سعی کردند هم در مسجد حضور یابند و گوش به موعظه‌های واعظان و نطقان بسپارند و - به اصطلاح - به دین و روش مسجد احترام بگذارند و هم با توجه به قداست آرامگاه و مشهد اولیاءالله، درپچه‌ای به سوی عبادت بگشایند و آیین عبادت در مسجد و زیارت در امامزاده‌ها و مرقد مطهر امامان را از نظر دور نسازند و تشریفات اجتماعی - عبادی را پررواق نمایند.

ایرانیان در این طریق، الحق که سنگ

تمام گذاشته‌اند. ایرانی پیرو تشیع، گویی در زیارت کعبه، زادگاه امام همام علی بن ابی طالب علیه السلام و مذبح ذبیح کربلا، اسمعیل دشت نینوا، را به یاد آورده، گریزی به مصایب اولیا می‌زند. ستایش و نیایش اهل تشیع ضمن برگزاری مناسک حج دیدنی است. مساجد شیعه مناظری از روضه خلد برین را مجسم می‌سازند و تربت شهدا همیشه ایام عطرآگین، و صحن و سرای امام زاده‌ها پیچیده در گل‌بانگ‌های ایمان، همواره معطرند، و سقاخانه‌ها که وقف سقای لب تشنگان حضرت عباس علیه السلام اند، همواره منور، و آب انبارها به وقف، سیراب‌کننده مردم عطشان، و بقاع متبرکه محل عبادت مؤمنان جان شیفته، و حسینیه‌ها و زینبیه‌ها و عباسیه‌ها و مهدیه‌ها یادآور حشمت و عظمت اولیا و اهل بیت، و تکایا محل تجمع ذاکران و واعظان و خطیبان، و مکتب‌خانه‌ها هماغوش عطر گل محمدی و قدمگاه‌ها نظر کرده، و خانقاه‌ها و یثرة سرسپاران مولی الموحّدین، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام ابوتراب، و ضریح اولیا و امامزاده‌ها مزین و منور به گل‌دانه‌های کلامی و اشعار دلنشین و همه یادآور

گرفتن ابعاد معنوی و رمزی، دقت فراوان به عمل آورده‌اند. کمتر بنای مقدّسی سراغ داریم که گنبد زرنشان یا گل‌دسته‌های آراسته به کاشی‌های زیبا را از دوردست‌ها - از این مکان‌های پر صفا - به رف چینی‌خانه چشم نیاورد. مردم عاشق اولیا هنوز هم وقتی به سرپرستی بلد راه (در زمان گذشته، توسط چاووشان) به نزدیک‌ترین نقطه قابل رؤیت این گنبدها و مناره‌ها می‌رسند، به عنوان مزّدگانی، به بلد راه، گنبدنا هدیه می‌دهند. کاشی‌های بخش بیرونی این ابنیه، منقّش به نقش عشق و ایمان شیعیان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام هستند و آیینه‌کاری‌های درون ساختمان‌ها دیدگان زائران را منور می‌سازند. هنوز هم چاووشان به صوت جلی در سفرهای زیارتی از قداست و حرمت این صحن و سراها یاد می‌کنند.

مسجد

... و خداوند را عبادت می‌کنیم به خاطر رحمت واسعه او، و سر بر سجده می‌نهم به حرمت حقانیت حق، و مساجد را مطهّر می‌سازیم به پاس رعایت تنظیف و نظافت

شکوه و بزرگواری اولیاءالله‌اند و حتی سیاه‌چادرها و آلاچیق‌های عشایری - این کوچندگان ساده دل - با علم سیاه بر بالای خیمه‌ها یا گوشه‌ای از میدانگاه جلوی آلاچیق‌ها - این اماکن تابستانی - آراسته به کتیبه‌هایند و خیمه‌دوزان برای شبیه‌سازی در ایام عزا، به تار و پود برگرفته از ریشه جان و تن، خیمه‌های زربفت بافته و کلمه «وقف» را در گوشه‌ای از این خیمه‌ها و علم‌ها و بیرق‌ها و بیدق‌ها و پرچم‌ها نشانده‌اند.

اهل تشیّع با وقوف کامل از دارالاماره و دارالظلم و بیت‌الحرزن و ماتمکده و عزاخانه و ماتم‌سرا توانسته‌اند در سرزمین قدسی مثال ایران، عرش و فرش و شهادتگاه را بازسازی نمایند و در صحنه‌آرایی نمایش شیعی و مذهبی تعزیه، جوهر جان صرف کرده‌اند. گویی بند بند دستورات اولیای الهی را در ساختن و برپا داشتن این بناها در نظر گرفته‌اند. زائر سراها در کنار امام‌زاده‌ها - وقف زوّار شیدا و بازارهای شهر و بازارهای موقت روزانه در روستاها در کنار این زائر سراها و نیایشگاه‌ها برپا شده‌اند و معماران با وضوی مهر در آراستن صوری این اماکن و ابنیه و در نظر

در این جایگاه‌ها و ... پس ای خدا در سجده‌های ما! حضرت بی‌مثال! تو ربی الاعلی هستی. حمد تو را بجا می‌آوریم و در سبحان ربی العظیم تو را از هر عیبی منزّه می‌دانیم و سپس فریاد برمی‌داریم که: «سمع الله لمن حمده». پس تو را ستایش می‌کنیم که آگاه از حمد و نیایش ما هستی. در ایران زمین، از روزگار پارو پیرار، حرمت نیایشگاه در نظر گرفته شده و سرسپردگان به آیین تشییع در سجده‌گاه‌های خود، همواره در کنار اعمال عبادی، جنبه‌های زیبایی‌شناختی محلّ عبادت و آداب زیارت را رعایت کرده‌اند. در روند شکل‌گیری شهرها، مراکز مذهبی جایگاه خاصی داشته و نیایشگاه‌ها در شهرها و روستاها، در دل آبادی جای گرفته‌اند.

رسول الله ﷺ در مدینه النبی با معماری ویژه اسلامی و به موهبت الهی، مسجدی زیبا بنیان نهاد و شاید کمتر از نیم سده از تاریخ بنای این مسجد نگذشته بود که یک ایرانی نومسلمان و مؤمن در «پهره» یا «فهرج» (= یکی از چهار شهر آن روز یزد) با بهره‌گیری از

ذوق و شوق همیاران و گرویدگان به آیین رسول الله ﷺ، خداخانه‌ای برای همشهریان خود بنیاد کرد که خوشبختانه تاکنون از آسیب ویرانی و دست‌کاری بر کنار مانده است.

اما آنچه در تأثیر تشییع در معماری مساجد فرامی‌گیریم، به کارگیری عناصر و عوامل مؤثر در شکل‌گیری مذهب تشییع است. شیعیان ایرانی برای نماز و نیایش، هرگز محراب خونین شهید محراب علی بن ابی طالب علیه السلام - عاشق بی‌ریا و از سر بی‌خبر حضرت الله به عشق آفریننده جان‌ها - را فراموش نکرده‌اند و در حکم و نقش و نقر، بعد از ذکر نام الله و پیامبرش رسول الله ﷺ، نام اولیاء الله را بر روی محراب‌ها بازنوشته و در چرخاندن رخ به سوی محراب از عبادت بی‌ریای اولیا یاد کرده و سعی نموده‌اند بدان‌ها تشبّه جویند، که علی علیه السلام در کنار محراب، نگین اقتدار خود به سائلی بخشید و در جوار همان محراب به شهادت رسید و ... یادمان باشد که زیباترین توصیف در شأن و بلندای قامت این امام بی‌بدیل را از مأذنه‌های منقش و آراسته می‌شنویم که: «أشهدُ أنَّ علیاً ولیُّ الله».

ابجد و ... مسجد علویان نایین، که گمان می‌رود بنیاد آن کهن باشد و در سدهٔ هشتم دو اشکوبه شده است، و مسجد جامع سمنان و ورامین که شیعیان سخت به عبادت در این مساجد دل‌سپارند، همگی نشان از به‌کارگیری نمادها و نشانه‌ها از سوی شیعیان دارند و از برکت تأثیر تشیع، مساجد شیعیان از نظر ریخت‌شناسی و سیماشناسی، از بسیاری از اماکن مقدسهٔ دیگر ممتاز و متمایزند. جامعهٔ شیعیان در مساجد ضمن عبادت، از بزرگواری اولیا بحث می‌کنند و در کنار هر پرچم و کتیبه‌ای شعری زیبا در مدح فرزندان رسول الله می‌نگارند. مسجد پرذله (میان‌ده) اسیانه، مسجد خوانسار و مسجد جمعهٔ اردبیل، هر یک نشانی از محبت به اولیا در گوشه گوشهٔ این بناها نشان می‌دهند. گاهی مسجد، محلّ اجرای مجالس تعزیه می‌شود، به ویژه مجلس تعزیهٔ مربوط به شام غربیان و داستان «بجدل و ساریان» - این دو بی‌حیای غارتگر باقی‌ماندهٔ اموال امام حسین علیه السلام - که در مساجد اجرا می‌شود، اهل غرا سینه‌زنان به مساجد نزدیک می‌شوند و فریاد می‌زنند:

در همین مسجد است که از علی علیه السلام و اولاد علی علیه السلام یاد می‌کنند و مجالس فراوانی برای مدح و منقبت و مرثی برای اولیاءالله تشکیل می‌دهند و هرگز از زبان مؤمنان نمی‌افتد که: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟...»

شاید یکی از شواهد برجسته در مساجد اهل تشیع، کتیبه‌بندی و نگارش اشعاری در وصف سرسپردگان تشیع است. نماز و نیایش به درگاه خداوند با مجد و عظمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن عزیر خدا ادامه می‌یابد و اصول و دستورات مذهبی مطرح می‌گردند.

مسجد یزد خواست، مسجد جامع اردبیل، مسجد جامع بروجرده، مسجد نیریز و مسجد سرکوجهٔ محمدیه نایین و ... همه تماشایی‌اند. نام علی علیه السلام و اولاد او علیه السلام در چهارگوشهٔ این مساجد در گچ‌بری‌های زیبا تجلی یافته‌اند. مسجد جامع گلپایگان، مسجد میدان ساوه (به روزگار صفویان از باب ایمان، شیعیان محراب زیبا و دیدنی با گچ‌بری رنگین بر آن افزوده‌اند) نمونه‌های خوبی از این بناهای مقدس‌اند. در زیر گنبد چشمگیر سلطانیه، هر آنچه می‌بینیم علی علیه السلام است و یاد علی علیه السلام و نام علی علیه السلام به حروف

گلمیشوگ ای شیعه‌تر، شام غریبانه بیز

ویر مگه باش ساغلیقی زینب علیها السلام نالانه بیز.
یعنی: ای شیعیان، به مناسبت شام
غریبان سینه‌دران آمدیم تا به زینب علیها السلام نالان
سر سلامتی بدهیم.

و دیگر اینکه می‌گویند: آمدیم بهر
عزا، اهل عزا.

جواب: خوش آمدید بهر عزا، اهل
عزا.

حسینیّه

کیمیایی است عجب تعزیه‌داری حسین علیها السلام

که نباید ز کسی منت اکسیر کشید

«حسینی» یعنی منسوب به

حسین علیها السلام، هر چه نوعی انتساب، ارتباط
و شباهت با حسین علیها السلام داشته باشد. این
پیوند میان حسین علیها السلام و حسینیان در تمام
جلوه‌های زندگی عاشقان برقرار است.

حسینیان در فکر و ایده و مرام، به مولای
عاشقان، حسین علیها السلام، تشبّه می‌جویند.

آنان کسانی هستند که رهرو راه خونین
عاشورا و انقلاب اویند. شور حسینی،
خطّ حسینی، نوای حسینی، عشق

حسینی، نهضت حسینی، حماسه
حسینی، حرم حسینی، عاشورای
حسینی، عزای حسینی و ... یعنی شور و

حماسه‌ای که همچون شور آن حضرت
برخوردار از حماسه و عزّت و خروش
است، و «حسینیّه» مکانی است برای
اقامه سوگواری برای ابا عبدالله
الحسین علیها السلام. شاید روی آوردن شیعه به
حسینیّه، در دوران‌های کهن به خاطر آن
بوده است که مساجد، اغلب در اختیار و
سلطه حکومت‌هایی بوده‌اند که برای
تشییع و اقامه عزاداری و مراسم و مناسک
مذهبی شیعه، محدودیت‌هایی ایجاد
می‌کردند. در ایران، در گوشه و کنار
شهرها و روستاها، حسینیّه‌های فراوانی
به چشم می‌خورند که همه از باب محبت
به حسین علیها السلام ساخته شده و گاهی به
عنوان زائر سرا برای زوّار نیز در نظر گرفته
شده‌اند؛ مثل حسینیّه آذربایجانی‌ها،
تهرانی‌ها، اصفهانی‌ها و ... که در
شهرهای نجف، کربلا، مشهد و ... از
این‌گونه فراوانند.

در مناطق هند، به حسینیّه، «امام‌باره»
می‌گویند. در برخی از نقاط آسیای میانه
نیز حسینیّه‌هایی که می‌ساختند، به
«مسجد شیعه‌ها» معروف می‌شدند. یکی
از حسینیّه‌های معروف ایران، «حسینیّه
مجتهد» در شهر اردبیل و دیگری بخشی
از تکیه معاون الملک کرمانشاه و مشهور

تکیه با تعزیه و عزاداری عجین گشته است. به نظر می‌رسد در قلمرو آداب و رسوم صوفیان، تکایا - از دیرگاه - اماکن خاصی برای اجرای مراسم عارفان و مکمل خانقاه به حساب آمده‌اند.

اما تأثیر تشیع در چنین مکانی نخست از باب مهر به قطب الاقطاب حضرت ابوتراب علی بن ابی طالب علیه السلام و سپس نقش اصلی آن برای عزاداری و به ویژه در حیطه هنر قدسی شبیه‌خوانی و تعزیه بوده است.

بخش‌های تکیه

ترکیب ساختمانی تکیه‌هایی که به صورت ثابت، محل اجرای تعزیه بوده (و هم‌اینک در برخی از تکایا رعایت می‌شود) عبارت است از:

- سگویی در وسط ساختمان، به بلندی نیم تا سه ربع ذرع که جای اجرای تعزیه و موسوم به «مصطبه» بوده است.

- دو ردیف پلکان دو سه تایی - در طرفین سگویی برای بالا و پایین رفتن شبیه‌خوانان.

- گذرگاهی محیط بر سگو که آن هم جزو عرصه نمایش مذهبی و معمولاً جای اسب‌تازی و جنگ و جدل میان اولیا و اشقیاء بوده است.

به حسینه است که در کنار زینبیه و عباسیه قرار دارد و در کاشی‌های منقش این صحن و سرا، بسیاری از وقایع مربوط به کربلا نقش بسته‌اند. همیشه به تعمیر این حسینه‌ها و رعایت آداب و در نظر گرفتن آداب ورود به حسینه‌ها سفارش شده است. تأثیر مستقیم تشیع از دیرگاه در به وجود آمدن چنین مکان مقدسی کاملاً آشکار است. یا حسین علیه السلام:

دست تمنای همه سوی تو

مرغ دل ما همه در کوی تو.

تکیه

ز دوستان و محبتان سیدالشهدا

به دستناری هر کس، شده است تکیه بپا
تأثیر تشیع در برپایی تکیه‌ها و عزراخانه‌ها انکارناپذیر است. معمولاً تکیه به عنوان محلی برای عزاداری سیدالشهداء علیه السلام، به ویژه در دهه محرم، ساخته و برپا می‌شود. البته این‌گونه اماکن غیر از تکیه‌های دایمی هستند. «تکیه» در حقیقت، پس از مسجد پایگاه معنوی مسلمانان، بخصوص شیعیان، به حساب می‌آید؛ جایی که مردم با تعزیه‌خوانی و سوگواری برای سالار شهیدان و یاران وفادارش، به او متوسل و متکی می‌شوند.

- غرفه‌ها و طاق‌نماها برای حضور تماشاگران؛ این غرفه‌ها دور تا دور تکیه ساخته می‌شدند.

- دیوارهای تکیه با کتیبه‌های سیاهی که اشعاری در سوگ خاندان حضرت امام حسین علیه السلام بر آن نقش بسته بودند پوشانده می‌شدند.

- پرچم‌ها و علامت‌ها و «کتل» (= Kotal)ها؛ یعنی پرچم‌های رنگی استوانه‌ای شکل مخصوص هر تکیه که در جای مناسبی جلوی چشم مردم قرار می‌گرفتند.

ورود و خروج اسب‌سواران از سگوهای شیب‌دار در کنار سگوی اصلی صورت می‌گرفت.

شیوه پذیرایی در تکیه‌ها

تکیه‌ها دارای طاق‌نماهایی بود که هر کدام یک نفر متصدی داشت. او می‌بایست از حاضران در مجلس با خرما و حلوا و شربت پذیرایی نماید. به محض اینکه تازه‌واردی به طاق‌نما وارد می‌شد، متصدی آن طاق‌نما، پس از ریختن گلاب از گلاب‌پاش به کف دست او، در سینی کوچک و ورشویی و نعلبکی بلوری و استکان مخصوص، قهوه یا چایی تعارف

می‌کرد. اگر عزاداری در هنگام تابستان بود، شربت و آب یخ‌گردانده می‌شد. همچنین به دنبال شربت، چای و قلیان می‌آوردند. هزینه پذیرایی در طاق‌نماها را صاحب و مسئول هر طاق‌نما و یا مردم خیر (به وقف و نذر) متقبل می‌شدند.

در تهران و شهرهای دیگر ایران، تکایای گوناگونی برای عزاداری وجود داشتند. افزون بر ایران، در کشورهای همجوار نیز تکایا و ماتمکده‌هایی وجود دارند. به گفته ابن اثیر در سده دهم ه ق در شهر بغداد برای مراسم محرم، فضایی باز و سرپناهی برای شرکت‌کنندگان در مراسم در نظر گرفته می‌شد. از جمله تکیه‌های معروف تهران، که اهمیت داشتند، می‌توان از این تکایا نام برد:

تکیه زنبورک‌خانه، تکیه دباغ‌خانه، تکیه قمی‌ها، تکیه چهل‌تن، تکیه نوروزخان، تکیه عودلاجان، تکیه هفت تن، تکیه حاج میرزا آقاسی، تکیه درخونگاه، تکیه سرپولک، تکیه سلطنت‌آباد، تکیه نیاوران و بخصوص تکیه معروف دوره قاجار «تکیه دولت» که محلی بود در مرکز تهران در عصر ناصرالدین شاه قاجار که محل اجرای تعزیه‌های مهم در روز عاشورا و سایر ایام

بخشی از تکیه توسط مستبدان آسیب دید، معاون‌الملک در سال ۱۳۳۱ هـ ق تکیه را احیا و خرابی‌های آن را ترمیم کرد و به همین دلیل، بنا به نام وی معروف شد.

در شیراز نیز زمانی «حسینیۀ شیر» گل سرسبد تکیه‌ها و حسینیۀ‌های آن دیار بود که متأسفانه از جور روزگار، آتش به جان این حسینیۀ افتاد و طومار عمر این حسینه را درهم پیچید.

هنگام ورود به تکایا، اشعار جانسوزی به خط جلی به روی کاشی یا سنگ و چوب و گچ نوشته شده‌اند. وقتی قدم به صحن و سرای «تکیۀ معاون‌الملک» می‌گذاری، این اشعار توجهت را به خود جلب می‌کنند:

سر زنان، سینه‌زنان، پای در این بقعه گذار

کاین بنا غمکده واقعه کرب و بلاست

می‌نبینی تو مگر ز اندوه و غم، آب و گلش

کباش از چشمه چشم است و گل از خاک عزاست.

در گوشه‌ای از صحن تکیه‌ای در قم

نیز چنین نبشته است:

تا نسوزد جگرت، دیده نگرید ای دوست

اشک بر هر دل غم‌دیده و هر درد نکوست

تا نسوزی ز غم خسرو لب تشنه حسین علیه السلام

دل نداری به خدا، دیده و دل هر دو از اوست.

عزاداری محسوب می‌شد. این تکیه پشت ساختمان بانک ملی کنونی بازار روبه‌روی سبزه میدان واقع بود. در سال ۱۳۲۷ هـ ش این محل تخریب گردید.

تکایای معتبری هم در شهر مذهبی قم قرار دارند که اسامی برخی از این تکایا عبارتند از: تکیۀ باغ پنبه، تکیۀ پنجه‌علی، تکیۀ متولّی باشی، تکیۀ شاه‌خراسان، تکیۀ گذرجدّ، تکیۀ بزرگ، تکیۀ ارک، تکیۀ گذر صادق. تکیۀ شهر نطنز نیز با اصول معماری دقیق ساخته شده است.

اما یکی از تکایای برجسته ایران، که در واقع موزه کاشی ایران محسوب می‌شود و از نظر نقش و نگار و نگاره‌های مذهبی در خور تأمل است، «تکیۀ معاون‌الملک» کرمانشاه می‌باشد. این تکیه مشتمل بر سه بنای «حسینیۀ»، «زینبیۀ» و «عبّاسیۀ» است. این تکیه دو حیاط و یک عمارت در میان دارد و دیوارها و قسمت‌های گوناگون به طور کلی پوشیده از کاشی‌های گوناگون با رنگ‌های متنوع و زیبا هستند. بانی تکیه مرحوم حسن معینی، معروف به «معین‌الرعیایا» بوده که در سال ۱۳۲۰ هـ ق به ایجاد آن همّت گماشته است. چون در واقعه مشروطیت،

تشنگان آب ذخیره نمایند و آنجا را متبرک دانند. «سنگاب» ظرف بزرگی است که از سنگ سازند و در حیاط مساجد و امامزاده‌ها و تکایا جای دهند و در آن آب ریزند تا تشنگان از آب آن بنوشند.

مولانا واعظ کاشفی سبزواری (متوفی در اوایل قرن دهم هـ ق) در کتاب بی‌ظنیه فتوت‌نامه سلطانی (باب ششم) در وصف سقایی و سقایان چنین می‌نویسد:

«... اول کسی که از پیامبران سقایی کرد، حضرت نوح علیه السلام بود. زمانی که نوح به کشتی می‌نشست، [از سوی خداوند] امر آمد که آب شیرین با خود به کشتی بر، که آب طوفان، یک عذاب است و خوردن را نشاید ... نوح هر روز دو بار بر اهل کشتی آب می‌داد؛ بدین ترتیب که سبویی از خم برداشتی و پیمانه در دست گرفتی و هر یک از اهل کشتی را پیمانه آب دادی.

دوم از پیامبران، حضرت ابراهیم بود و از پوست قوچ قربانی شده به جای فرزندش اسمعیل، خیکی ساخت و در روزهای گرم از آب پر می‌کرد و بر چهار پا می‌نهاد و در صحرا، هر کجا تشنه‌ای یافتی، او را آب دادی.

این‌ها همه از تأثیر تشییع و بزرگان مذهب شیعه و کرامت و عنایت این بزرگواران است که خاک بی‌مقدار را به نظر کیمیا می‌کنند. مردی مؤمن و خداشناس از تبار عاشقان سیدالشهدا علیه السلام وقتی از شدت و حدت عزاداری در تکیه متولی باشی قم سخن می‌گوید، اشک بر دیده می‌آورد و خاطراتی بازگو می‌کند:

«... خدا شاهد است که اگر اشک‌هایی را که در طول سالیان متممادی در این تکیه ریخته شده، جمع‌آوری کرده، به یکباره در آن بریزند، سیل اشک از بالای دیوار آن به بیرون خواهد ریخت ...»

حسین بن علی علیه السلام آن حجت حق جمال حق تعالی، نور مطلق اگر خون و قیام او نبودی کجا اسلام و قرآن داشت رونق

سقآخانه

ای پدر جان، تشنه‌ام سقای آب آور کجاست؟

تشنه کامم ای پدر، عباس غمپرور کجاست؟

نالها بر پا بود از شیون و افغان ما

می‌رسد فریاد ما از تشنگی بر هر کجا

(زبان حال حضرت سکینه علیه السلام)

«سقآ» پخش‌کننده آب را گویند و

«سقآخانه» جایی را نامند که در آنجا برای

به این دلیل است که مردم پس از نوشیدن آب و رفع عطش، به عنوان سپاس می‌گویند: «آب زمزم / کوثر نصیبتان شود.» «اجرتان با سقّای کربلا، حضرت ابوالفضل علیه السلام».

در قالب بحر طویلی زیبا، شاعری (وصّاف کاشی) به تفصیل از سقّای دشت کربلا یاد کرده و شجاعت و غیرت او را ستوده است. بخشی از این بحر طویل را از باب تمیّن و تبرّک ذکر می‌کنیم:

«... زِ زهر خیل و زِ زهر فوج بیارید بر او
بارش پیکان و ننالید ابوالفضل ز انبوهی
عدوان، همی یک تنه می‌تاخت به میدان
و خود از کشته‌شان پشته همی ساخت،
که ناگاه لعینی ز کمینگاه یکی تیغ بر او
آخت، که دستش ز سوی راست
بینداخت. ولی حضرت عبّاس وفادار،
چو مرغی که به یک بال بَرَد دانه سوی
لانه به منقار، به دست چپ او تیغ
شرریار، همش مشک به دندان و بدرّید
ز عدوان، زره و جوشن و خفتان، که ناگاه
لعین دگر از آل جفا، دست چپش ساخت
جدا، شد به رکاب هنر از کوشش و تا کرد
دلیران دغا از بر خود دور، تنش از زخم
بُدی پُر، بُد او خرم و مسرور، که شاید
ببرد آب بر کودک بی‌تاب سکینه که بُد

سومین پیامبری که سقّایی کرد، حضرت خضر بود و او پس از قدم نهادن در ظلمات، با خود عهد کرد که اگر آب حیات نصیب من شود، به هر کس که تشنه باشد، آبی رسانم تا تشنه حیات را مدد کار باشم.

چهارمین و آخرین پیامبری که سقّایی کرد، حضرت ختمی مرتبت بود.

بنا به قولی، نخستین سقّا در تاریخ شیعه، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است. او در جنگ أحد تشنگان را آب داد، فردای قیامت، ساقی حوض کوثر خواهد بود و در صحرای محشر، تشنگان را سیراب خواهد کرد.

دوم عبّاس بن علی علیه السلام بود که روز عاشورا در صحرای کربلا، عزم جزم کرد تا تشنگان اهل بیت را سیراب کند. پس از کسب رخصت از امام حسین علیه السلام، عبّاس علیه السلام فرصت یافت و کنار فرات آمد و مشک آب را پر کرد. چون خواست که آب بنوشد، تشنگی اهل بیت را به یاد آورد. پس آب نخورد و مشک به دوش کشید. اما ... ملعونان گرد وی درآمدند و دست‌هایش بیفکندند. پس هر کس به عشق شهیدان کربلا، به متابعت عبّاس بن علی علیه السلام سقّایی کند، اجری اخروی نصیب او شود ...»

آرام دل باب، سواریش نماند، از زیر زین به زمین گشت نگونسار، یکی ناله برآورد که ای جان برادر! چه شود گر به دم بازپسین شادکنی خاطر ناشادم و بستانی از این لشکر کین دادم و سر وقت من آبی که سرم شق شده از ضربت شمشیر؟ دگر گر به تن اندر رمقی هست، که فرصت رود از دست. دگر ای غم زده «وصاف»، مکن وصف بلاهای نصیب شه تشنه لب کرب و بلا را.»

سقّاخانه‌ها را می‌توان پدیدارهایی اجتماعی - مذهبی با قدمتی دیرینه نامید که در آن‌ها، «آب» این عنصر حیات‌بخش (و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ) به رایگان در اختیار رهگذران تشنه قرار می‌گیرد. اما در پس این تعریف ساده و کوتاه، فرهنگی کهن و ارزشمند نهفته است. سقّاخانه‌ها در نظر مسلمانان و به ویژه اهل تشیّع، همواره از جایگاهی مکرم و حرمتی خاص برخوردار بوده‌اند. اولین موضوعی که در بررسی سقّاخانه مورد توجه قرار می‌گیرد «آب» است. باید توجه داشت که آب سقّاخانه‌ها در نظر مریدان آن، یک آب معمولی نیست، بلکه عنصری است مقدّس، شفای دردهای جسمانی و

آرام‌بخش روح‌های پریشان. این آب نشان از ایمان دارد، از ایثار، از فداکاری و محبت و بالاخره، نشان از شهادت. حقیقت این است که والاترین و متعالی‌ترین مفهوم اجتماعی - اعتقادی «آب» را در مذهب شیعه می‌توان یافت؛ آنجا که آب را مهریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار داده‌اند. آب علاوه بر تمامی مفاهیم مزبور، نمادی از گذشت و فداکاری و سپس شهادت است. و این است همان فلسفه اصلی اتفاق آب و احداث بنای کوچک سقّاخانه.

شاید دلیل اصلی احداث سقّاخانه‌ها از طرف بانیان خیر آن‌ها، به‌طور عمده دو چیز بوده است: یکی تمسک به عملی خیر برای سقایت مردمان، که از قدیم الایام بدان توجه خاصی می‌شده است؛ و دیگری یادآوری حادثه عاشورا و واقعه کربلا و خاطره تشنگان شهید از جور و ستم اشقیاء، که این در کشورهای شیعی مذهب، از مهم‌ترین دلایل احداث سقّاخانه‌ها به‌شمار می‌آید.

اغلب سقّاخانه‌ها از طرف بانیان آن‌ها، برای استفاده همگانی «وقف» می‌شده‌اند. هرگاه هنرمند ایرانی عنایتی به این ابنیه داشته، آن‌چنان شور و زیبایی

اطراف قرار گرفته‌اند. محلّ احداث این نوع سقاخانه‌ها بیشتر در کنار معابر اصلی و پر رفت و آمد شهر است.

گروه سوم را می‌توان «سقاخانه‌های رفی شکل» نامید. این‌گونه سقاخانه‌ها در شکل کلی، کاملاً وابسته به بنای همراه خود هستند و از نظر تملک جزئی از بنای خانه یا مسجد مجاور خود محسوب می‌شدند. نمای عمومی این گروه از سقاخانه‌ها، که غالباً کوچک و محقر هستند، به صورت فرورفتگی مختصر رف مانند یا تاقچه مانندی در دیوار بنای پشتی خود می‌باشد. این گروه از سقاخانه‌ها بیشتر در معابر فرعی و کوی‌ها قرار دارند و فاقد وقف‌نامه‌ای مستقل هستند. صاحبان منازل یا بناهای اصلی، که در واقع این سقاخانه‌ها جزئی از آنها محسوب می‌شوند، عموماً خود بانی این مکان‌ها بوده و مخارج سقاخانه‌های رفی را شخصاً تقبل می‌کرده‌اند.

تزیینات سقاخانه‌ها

تزیینات معماری در سقاخانه‌های عموم شهرهای ایران، از جمله تهران، از نظر مصالح و شکل استفاده در بنا، در سه

در آن به یادگار گذارده که هنر، نوشنده آب از این سقاخانه‌ها را مسح و واله عظمت ایمان و عشق به بزرگواران شهید نموده و ارزش این آب انفاق شده را تا حدّ آب کوثر بالا برده است.

معماری سقاخانه‌ها

از نظر معماری و شکل بنا، سقاخانه‌های تهران و بسیاری از ولایات را می‌توان به طور نسبی در سه گروه کلی جای داد و خصوصیات مشترکی نیز برای هر گروه تعریف کرد:

گروه اول سقاخانه‌هایی که ساختمان آنها با بناهای اطراف خود پیوند و دل‌بستگی ندارد و به تعبیری، مستقل هستند. این بناها معمولاً مکعبی شکل بوده و گاه به صورت بنایی استوانه‌ای و یا هشت گوش ساخته می‌شوند، به گونه‌ای که از چهار جهت نما دارند و قابل بهره‌برداری می‌باشند.

گروه دوم را، که در تهران از کثرت بیشتری برخوردارند، می‌توان «سقاخانه‌های دکائی شکل» نامید. نمای کلی این سقاخانه‌ها به گونه‌ی دکائی نیم بسابی یا یک بسابی است که در کنار مجموعه‌ای از دکان‌ها و یا منازل و بناهای

محبوبیت والایی برخوردارند. از نمونه طرح‌هایی که مکرر در کاشی‌کاری سقاخانه‌ها مشاهده می‌شود، صحنه‌هایی از واقعه عاشورا و تمثال مبارک ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه سیدالشهداء و حضرت ابوالفضل علیه‌السلام هستند که گاهی سوار بر اسب و زمانی پیاده، در حالتی که زره پوشیده و علمی در دست دارند، یا مشک آب بر شانه مجسم شده‌اند. این تصاویر به ظاهر ساده، تأثیر زیادی بر هر بیننده دل سوخته‌ای می‌گذارند و شاید به همین دلیل، شکل‌گیری سبکی به نام - مکتب سقاخانه - در هنر نوین ایران را سبب شده‌اند.

گروه سوم، بخشی از تزیینات معماری سقاخانه را می‌توان آئینه‌کاری دانست که معمولاً به سبک آئینه‌کاری‌های سایر اماکن مذهبی، همچون مساجد و بقاع متبرکه و امام‌زاده‌ها انجام می‌شود.

کتیبه‌نویسی در سقاخانه‌ها

اصولاً کتیبه‌نویسی در بناهای سنتی - مذهبی، جایگاه ویژه‌ای دارد و مکان‌های کوچک و مقدس سقاخانه‌ها نیز غالباً از این مشخصه دور نیستند. گذشته از کتیبه‌هایی که صورت وقف‌نامه دارند و یا

گروه عمده قابل بررسی می‌باشند: گروه اول، تزیینات سنگی و آجری سقاخانه‌ها هستند که از اجزا و مصالح ساختمانی خود بنا و یا روکار آن محسوب می‌شوند. به دلیل کوچکی فضای سقاخانه، این نوع تزیینات و آجرچینی‌ها غالباً به طور محدود و ساده در خارج بنا، بخصوص سردر و ازاره و گه‌گاه نیز در نمای بیرونی درگاه سقاخانه‌ها ایجاد شده‌اند. گاهی از قطعات سنگی نیز برای ایجاد استقامت بیشتر در قسمت خارجی بنای آجری سقاخانه‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

گروه دوم، بخشی از تزیینات سقاخانه‌های تهران را انواع کاشی‌کاری‌های موجود در آن‌ها تشکیل می‌دهند. معمولاً سقاخانه‌های شهرستان‌ها نیز این‌گونه‌اند. هر بنای سقاخانه، هر قدر هم که کوچک و محقر باشد، دارای فضای کاشی‌کاری شده‌ای دست‌کم به عنوان پوششی محقر برای کف سقاخانه است. کاشی‌های تزیینی به کار رفته در برخی از این بناها، غالباً از نوع کاشی هفت رنگ تهیه می‌شوند. در میان کاشی‌های در نظر گرفته شده برای سقاخانه‌ها، کاشی‌های کتیبه‌دار از

معرف نام «بانی» یا «واقف» هستند، اهل ایمان و ذوق به خط خوش فضای سقاخانه‌ها را آراسته‌اند. این نوشته‌ها به طور عمده از ادبیات غنی عاشورا و تعزیه منشأ گرفته و از این طریق، رهگذران را به لحظه‌ای تأمل و نوشیدن آب به یاد لب تشنه آن بزرگواران شهید در صحرای کربلا دعوت می‌کنند:

آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن

جان را فدایی مرقد شاه شهید کن.

(مصرع دوم گاهی چنین آمده است: یاد از لبان تشنه شاه شهید کن.)

هر که آبی ز جام ما نوشد

خلعت از شاه کربلا پوشد.

این ابیات، تذکاری هستند بر شهادتِ

مظلومان دشت کربلا و حاجت خواهی از

آن بزرگواران:

عبّاس، ای شهید گروه مخالفان

دارم به دل یقین که تویی ماه انس و جان

کن حاجتم روا تو به حق برادرت

ای خسرو زمانه و سقای کودکان.

آبی دهم به یاد لبانت، حسین (ع) حسین (ع)

بر شیعیان به ماه عزایت، حسین (ع) حسین (ع)

بارید خون ز دیده کروبیان عرش

کردی تو چون قبول شهادت، حسین (ع) حسین (ع).

زبان حال حضرت عباس علیه السلام:

مامورم آنکه آب رسانم به خیمه‌گاه

بر کودکان شه لب تشنگان دهم.

نوش جان کن شیعه، این آب از ره مهر و وفا

یادآور از لب خشک شهید کربلا

یاد آور از لب عطشان عباس علیه السلام علی علیه السلام

پور حیدر، آن علمدار حسین (ع)، پور علی (ع).

در قلمرو پیوند اشیا و اشعار در حیطة

شعر (عامیانه و رسمی و مکتوب)،

نمونه‌هایی از تجلی احساس مردم را در

قالب شعر، بر روی کاشی‌ها یا حاشیه

لیوان‌های مسی موجود در سقاخانه به

نظاره می‌نشینیم و با هم - با شاعران

دل سوخته - این شاه بیت‌های دلنشین را

زمزمه می‌کنیم:

این ندا از عالم بالا رسید

مزد آب، آن است: لعنت بر یزید.

بررسی نمادین تزیینات داخلی و

خارجی سقاخانه‌ها

به نظر دل‌سپردگان به سقاخانه‌ها، هر یک

از عناصر سازنده سقاخانه، مفهوم و

مضمونی در بردارد.

شبهه و پنجره مشبک فلزی اغلب به

رنگ طلایی و نقره‌ای یادآور مزار

عبّاس علیه السلام علمدار، از قسم‌های بسیار مهم مردم، و در نظر گرفتن موقوفاتی برای این مکان‌ها از عمده مسائل مرتبط به باقیات صالحات بوده است.

هنوز هم مادران به هنگام زمزمه لایلی‌ها برای کودکان خود، از ساقی دشت بلا یاد می‌کنند. ضرب‌المثل‌هایی هم ویژه سقاخانه‌ها هستند؛ مثلاً، «از سقاخانه شمع دزدیدن» کنایه از انجام عمل خلاف و نشانه اوج خلاف‌کاری است.

«از سقاخانه شمع کشیدن» دربرگیرنده مضمونی خاص است. در سابق، اگر کسی مورد ظلم قرار می‌گرفت، شمعی از سقاخانه‌ای برمی‌داشت و نذر می‌کرد هر گاه ظالم به جزای عمل خود برسد و مظلوم به حق خود دست یابد، در عوض، بسته‌ای شمع به آن سقاخانه پیشکش نماید.

افسانه‌های بسیاری در باب توسل مردم به این سقاخانه‌ها در گنجینه سینه مردم و بخصوص پهلوانان وجود دارند.

سنگاب

در گذشته، علاوه بر واژه «سقاخانه» از واژه‌هایی مانند «سنگاب» نیز استفاده

اولیاست؛ قبه‌های روی مخزن آب، بقعه و آرامگاه شهدا را به یاد می‌آورد؛ دست‌افراشته بر فراز هر قبه، نشانه پنج تن آل عبا و نشان مخصوص دست و پنجه مبارک حضرت عبّاس علیه السلام است؛ نوشته‌های اطراف سقاخانه، آیاتی از قرآن، شعارهای مذهبی یا اشعاری در مدح و ثنا و رشای امام حسین علیه السلام و حضرت عبّاس علیه السلام هستند؛ مانند:

«السلام علی الحسین علیه السلام و علی بن الحسین علیه السلام و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین علیه السلام». لعنة الله علی قاتل الحسین علیه السلام السلام علیک یا ابا الفضل العباس علیه السلام.

ساقی تشنه لبان روی به دریا می‌کرد
ساغر وصل ز معشوق تمنا می‌کرد
شد دل شط فرات از عطش او بی تاب
چون تماشا، لب خشکیده سقا می‌کرد.
شاه‌بیت‌هایی از دوازده بند محتشم کاشانی رحمته الله نیز به خط جلی، نمای سقاخانه را آذین می‌بندند:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا.

تجلی سقاخانه در آیین فرهنگ عامه
سوگند به صاحب سقاخانه‌ها، حضرت

سقاخانه از دیدگاه یک محقق خارجی

پیتر لمبورن ویلسون (Peter Lamborn Wilson)، محقق از مغرب زمین (قریب یک قرن پیش) در مقاله‌ای تحت عنوان «سقاخانه» از این بنای مذهبی و شیعی در ایران یاد می‌کند و می‌نویسد: هنگامی که در ایران، از بازارچه‌ای می‌گذرید و یا از کوچه محله‌ای قدیمی رد می‌شوید، به یک تورفتگی برمی‌خورید که در دیواری تعبیه شده است و پنجره مشبک آهنی، قسمتی از آن را می‌پوشاند.

داخل تورفتگی، شیرهای متصل به مخزنی - پشت دیوار - با مخزن بزرگ آب می‌بینید. این مخزن، که به شکل استوانه‌ای از مس ساخته شده، گاهی به تزئینات، آراسته است؛ بالایش سه قبه دارد. از روی قبه میانی، که از دو قبه دیگر بزرگ‌تر است، پنجه دست زیبایی برافراشته است که رویش با خط خوش، کلماتی را به صورت مشبک نوشته‌اند. چندین پیاله آبخوری سنگین مسی با زنجیر به مخزن وصلند.

از دیوار تورفتگی، شمایل‌هایی به رنگ‌های درخشان آویزانند و دور و بر مخزن آب، شمع‌هایی گذاشته‌اند که بعضی روشنند و بعضی سوخته‌اند.

می‌شد. البته میان سقاخانه‌هایی که آب آن را متبرک می‌دانسته‌اند و سنگاب‌ها تفاوت‌هایی وجود دارند. با این حال، به حرمت آب و در نظر گرفتن احادیثی از اولیاء، تهیه سنگاب‌ها هم نوعی وظیفه شرعی برای شیعیان در نظر می‌آمد.

در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام می‌خوانیم: «... خداوند آب دادن به جگر نقتیده را دوست دارد.»

در حدیثی دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «... برترین و بافضیلت‌ترین صدقه، آب دادن است به جگری نقتیده...»

سنگاب‌ها و سنگاب‌خانه‌های بسیاری در نقاط مختلف ایران، بخصوص مراکز مذهبی و از جمله شهر مقدس قم، وجود داشته و شاعران آل‌الله در ارتباط با شأن شهیدان اشعار نغزی سروده و بر روی این سنگاب‌ها نقش نموده‌اند:

آبی بنوش و تشنه لبان را تو یاد کن
لعنت به شمر و خولی و ابن زیاد کن.

نوشید آب و لعن به سفیانیان کنید
یاد از شهید خنجر و تیر و کمان کنید.

کارها در نقاشی و دیگر کارهای هنری همین بود:

بوی روضه و گریه، روشنی شمع و برق طاس‌های برنجی، صدای صلوات و یا حسین علیه السلام، و فدای لب تشنه‌ات یا ابا عبدالله.

به طور کلی، حال و هوا مذهبی بود، ولی نه در حد مسجد شاه اصفهان رفیع و فخیم، و نه در حد مسجد سپهسالار تهران سترگ، بلکه در حد سقاخانه گذر.

طرح‌ها و نقش‌های سنتی - مذهبی برگرفته از فضای آرام و صمیمی و پراز خلوص سقاخانه‌ها و تکیه‌ها، امکان همه‌گونه ترکیب و تجزیه را در زمینه هنر نوین، به هنرمندان سقاخانه‌ای می‌دادند که همه در نوع خود بدیع و زیبا بودند.

در اینکه چرا این موج هنری خاص «مکتب سقاخانه» نام گرفت، توجهات متفاوتی وجود دارند. اصولاً سقاخانه‌ها یکی از مراکز زیارتی مهم در تشیع محسوب می‌شوند. مراسم تعزیه، که در محرم (و گاهی در سایر ایام) برپا می‌شود نیز، شاید بیش از سقاخانه‌ها، پدید آورنده نقش‌ها، شکل‌های ساختمانی و اشارات و رمزهای ادبی باشد. خود تکیه‌ها و حسینیه‌ها به عنوان محل‌های

نوارهایی از پارچه‌های رنگی (به ویژه سبز) به میله‌های پنجره مشبک بسته‌اند.» به عقیده ویلسون، تصاویر منقش بر کاشی‌های سقاخانه‌ها و نمادپردازی‌ها، از حد و مرز مباحث مادی بسیار فراتر می‌روند. اگر در ماهیت انتزاعی و اصیل شکل‌های نمایشی تعزیه و قدرت نیرومند تصاویر سقاخانه تأمل کنیم، پی می‌بریم که «... تشیع حتی در عامیانه‌ترین سطح خود، نه تنها از استعلای خاص اسلام، بلکه استعلایی از آن خویش بهره‌مند است...»

در مورد سقاخانه و سقایت و سقایی، در کتب معتبر ایرانی و خارجی، اشاره‌های فراوانی وجود دارند و تأثیر مذهب تشیع در این بناهای مذهبی را توصیف می‌کنند.

نگاهی به مکتب هنری موسوم به

سقاخانه

تقریباً از سال ۱۳۴۰ جمعی از هنرمندان با استفاده از طرح‌های مذهبی و نقوش و موتیف‌ها (خرده نقش‌ها)ی مذهبی، موج یک موج هنری موسوم به مکتب یا سبک «سقاخانه» ای شدند؛ یادی از حرم و تکیه و حسینیه. حال و هوای این‌گونه

سَقَانْفَار

«سَقَانْفَار یا سَقَاتالار» بنایی است با مواد و مصالح چوبی که در استان مازندران در کنار تکایا و مساجد و حتی در میان شالیزارها (برای عبادت شالی‌کاران در این مکان)، ساخته می‌شود. این بناها را به یاد سَقای دشت کربلا، حضرت ابوالفضل علیه السلام، می‌سازند.

سَقَانْفارها معمولاً دو طبقه‌اند؛ از طریق پلکان‌های چوبی از پایین به طبقه بالا می‌روند. طبقه اول آن مکانی است که معمولاً زنان محل در آن جمع می‌شوند و عزاداری می‌کنند و نیز وسایل پذیرایی از عزاداران در آن قرار می‌گیرد. طبقه دوم محلی است که مردان در طول شب‌های عزا و دهه اول ماه محرم در آنجا به عزاداری می‌پردازند.

سَقَانْفارها با بار فرهنگی بسیار غنی و بهره‌گیری از پشتوانه سنت‌ها و آداب و باورداشت‌های شیعی مردم مازندران، روایتگر ایمان و دل‌سپاری جامعه کشاورزی مازندران به سالار شهیدان و برادر دلاورش سَقای لب‌تشنگان، حضرت عباس علیه السلام هستند. این عزاداران مردم عادی ساده‌دل و مخلص هستند. اما آنچه این بنا را جزو نادرترین بناهای

برگزاری آیین‌های مذهبی، و پرچم‌ها و بیرق‌ها که نشان از عَلم حضرت عباس علیه السلام دارند، اسب زخمی امام حسین علیه السلام، کمان‌ها، نیزه‌ها و شمشیرها، لباس‌های سبز و سیاه و سفید ویژه اولیا و لباس سرخ اشقیاء، لوازم و اسباب صحنه نمایش تعزیه‌خوانی شامل خیمه و ظرف آبی به نشانه فرات، همه و همه در هنگام نمایش از قدرت بیانی بالایی برخوردارند.

این‌گونه نمادها و تجسم‌های مذهبی الهام‌بخش هنرمندان منتسب به مکتب سَقَاخانه‌ای گردیدند. در واقع، این تجسم‌ها و تمثیل‌ها با روحیات مردم عجین شده و نوعی فهم نمادین بالایی ایجاد کرده‌اند. همین فهم نمادین بود که باعث گردید در برخورد با مکتب سَقَاخانه، احساسی مشترک در مردم به وجود آید و اقبال عمومی وسیعی برای دست‌کم دو دهه در هنر معاصر کشور را موجب شود.

دل شوریده نه از شور شراب آمده است

دین و دل، ساقی شیرین سخنم بوده ز دست

ساقی باده توحید و معارف، عباس

شاهد بزم ازل، شمع شبستان «الست».

آب انبار

آن فراتی را که مهر دختر پیغمبر ﷺ است

آن فراتی را که ارث خسرو بی لشکر است

کسی روا باشد ز جور فرقه بی انفعال

بهر شاه دین حرام و بهر دیو و دد حلال؟

تأثیر تشیع در یکی از ابنیه مهم ایران،

یعنی «آب انبار»، درخور توجه است. آب

انبار در سراسر راه‌های ایران و در

شهرهای این سرزمین خدایی، به تعداد

بسیار دیده می‌شود و بعضی از آنها، که

در شهرهای خشک و کم آب ساخته

شده، خود اثری بسیار زیبا و از لحاظ

معماری و مسائل مربوط به سنت

پسندیده «وقف» شایان توجه است. در

میان موقوفات، با توجه به اسناد و مدارک

موجود، یادداشت‌های فراوانی در این

زمینه وجود دارند و بسیاری از مردم

مؤمن موقوفاتی برای احداث آب انبار و

استفاده عموم و رایگان از این آب انبارها

تعیین کرده‌اند. از این نظر، در برخی

ولایات، آب انبار را «اهل ایمان»

می‌گویند (مثل اردبیل و بسیاری از نقاط

آذربایجان). سابقاً این آب انبارها کارکرد

و عملکرد دقیقی در زندگی مردم داشتند.

ساختمان آب انبار مسلماً در حیطة اماکن

مقدس و متبرک و مطهر بود و فرهنگ

مذهبی قرار داده، ترکیب چند

هنر معماری، نقاشی و خطاطی داخل

آن است که در کل، شکل بدیع و

منسجمی به وجود آورده است. این

بناها - همان‌گونه که ذکر شد - تماماً

از چوب ساخته شده و هنرمند بومی

با توجه به فراوانی چوب در

مازندران، مصالح مناسبی یافته و

نقوش باشکوهی را بر روی این

چوب‌ها ایجاد کرده است. این

نقوش مذهبی، نگاره‌هایی از عشق

به شهادت در مذهب شیعه و تقریباً

همانند مباحث مربوط به تعزیه

و شبیه‌خوانی هستند که به تصویر

کشیده شده‌اند. این هنرمندان

بی‌ادعا - فارغ از قید هر سبک و

مکتب، شفاف‌ترین و تمیزترین رنگ‌ها

را برای برگزیدگان راه خدا می‌پسندند

و در مقابل، رنگ‌های سرخ و کدر را

برای کافران و اشقیاء انتخاب می‌کنند.

این رنگ‌ها و طرح‌ها و نقش‌های

پرمعنا، همراه با صفای هنرمندان،

هر یک در جای خود، به این اماکن،

که مستقیماً تحت تأثیر آیین تشیع

هستند، حرمت و قداست خاصی

می‌بخشند.

شیعی در اینجا هم خود را نمایان می‌سازد. کاشی‌های سر در این آب انبارها با کلماتی به خط نستعلیق جلی بسیار زیبا به رنگ سفید بر قطعات لاجوردی نوشته می‌شدند. چند رشته قنات برای هر آب انبار وقف می‌شدند و گاهی مستغلات فراوانی در اختیار بانیان این آب انبارها قرار می‌گرفتند. لای‌روبی این قنات‌ها نیز به همیاری مردم مؤمن انجام می‌گرفت؛ پیش از آنکه فصل زمستان برسد، به سرپرستی عده‌ای از مردم خیر هر شهر، مسیر قنات‌ها لای‌روبی و تمیز می‌شد تا در تمام فصل زمستان، مردم به راحتی از این آب انبارها، آب مصرفی خود را فراهم کنند. آب انبارها گاهی بسیار پایین‌تر از سطح زمین قرار داشتند؛ شاید قریب چهل پله، مردم را از در ورودی آب انبار تا محل اصلی می‌رساندند. علت این امر محفوظ ماندن آب از حرارت خورشید در تابستان و صولت سرما در زمستان بود. باورهای مذهبی اهل تشیع در شکل‌گیری این اماکن تأثیر بخصوص داشتند و هر دم که کوزه‌های آب توسط مردم مؤمن پر می‌شدند و رفع عطش می‌گردیدند،

زمزمه می‌کردند:

به خاک و خون شدی غلطان، به دست شمر بی‌ایمان
حسین جان با لب عطشان، حسین جانم، حسین جانم.

امام‌زاده‌ها

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم

از پی حادثه، اینجا به پناه آمده‌ایم
تأثیر تشیع در زیارت آستانه‌های مقدّس امام‌زادگان نظرکرده کاملاً آشکار است. آرامگاه هر یک از این عزیزان بنده خدا، بخصوص آقا‌زاده‌هایی که صحن و سرای آن‌ها به زیارت‌نامه و شجره‌النسب مزین است و این امام‌زاده‌ها واجب‌التعظیم محسوب می‌گردند، درخور توجه و محلّ التّجّ و التّماس و پاکی است. افزون بر اجرای مراسم زیبای بزرگداشت نکونامان و نکوکاران در صحنه لم یزلی عزاداری قدسی، توسّل به انبیا و اولیا و فرزندان این عزیزان خدا، در قلمرو باورهای مردم مؤمن جایگاه ویژه‌ای دارد. «توسّل» وسیله‌جویی و حاجت‌خواستن از خداوند یا وسیله و شفیع قرار دادن پاکان و ائمه معصومین علیهم‌السلام از جمله حضرت سیدالشهداء و فرزندان و شهدای کربلاست. «توسّل» ارتباط با معصومان و اولیاءالله را به خاطر

قرب مقام و منزلتشان نزد خدای متعال، آسان می‌سازد؛ چراکه این بزرگواران حق شفاعت دارند و سرسپردگان این اولیا برای استجاب دعا، دعای توسل می‌خوانند و تقرب به درگاه خداوند را برای برآمدن حاجت‌ها وسیله تسکین و آرامش قلوب خود می‌شناسند. ساختمان این امام‌زاده‌ها در هر گوشه از ایران، محلّ تجمّع عاشقان آل‌الله است و از نظر آرایه‌ها و پیرایه‌ها و علم‌بندی‌ها و نگه‌داری پرچم‌ها و علم‌ها، درخور توجه می‌باشد و از دیدگاه ساختن ضریح، نمونه ذوق هنرمندان محسوب می‌گردد. بند بند اشعار مربوط به اولیاء‌الله به خط خوش، آزین‌بند دیوارها و حتی ضریح و صندوق چوبی و فلزی ساختمان امام‌زاده‌هاست. برخی از این امام‌زاده‌ها و قدمت ساختمان آن‌ها، قدمت شهرسازی یا سکونت در روستا را نشان می‌دهد. بیتوته کردن در این اماکن و کسب شفای روحی و همدلی و همدردی با امام‌زاده‌هایی که روزگاری از جبر و جور اشقیا به شهادت رسیده‌اند، از آمال و آرمان‌های زوّار و دل‌سپردگان به این امام‌زاده‌هاست که بخصوص پس از حرکت امام رضا علیه‌السلام از مدینه به سوی

ایران و توس، برادران این امام همام به ایران رو آوردند و بسیاری از آنان متأسفانه توسط عمال خلفای جور به شهادت رسیدند. اما مرقد و مشهد و آرامگاه آنان زیارتگاه عاشقان و اهل تشیع گردیده است.

زورخانه و گود مقدّس زورخانه

خانه ورزش ما، جای هوسناکان نیست

جای پاکان بُود این، منزل ناپاکان نیست
 زورخانه در نظر ورزش‌کار مؤمن،
 جای نیکان و پاکان و مکتب فتوّت و
 جوان‌مردی است. گفته‌اند: اهل زورخانه
 با توسل به آداب و عادات شیعی و با در
 نظر گرفتن فتی فتیان، حضرت
 امیرمؤمنان علیه‌السلام به عنوان قطب الاقطاب،
 مراحل عرفان را طی می‌کنند و پاک‌ی
 جوان‌مردی خود را مدیون حیدر صفدر
 می‌دانند و هر دم زمزمه می‌نمایند:

به ظاهر راست رو - اینک شریعت

به باطن صاف شو - اینک طریقت

چو ظاهر را به باطن راست کردی

خدا بین شو ز دل - اینک حقیقت

و معتقدند که شریعت و طریقت و

حقیقت با معرفت و در نهایت، با فتوّت

عجین گشته است.

داد و اهل زورخانه را از سرسپردگان حضرت حق و اولیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام دانست.

ای آنکه زدی تیشه به اشجار حقیقت

تا بلکه کنی خسته طرفدار حقیقت

غافل که جهانی بشود یار حقیقت

خشکیده نشد نخل پر از بار حقیقت

کردی تو به پا محشر کبرا به قساوت

دادی تو در این ره به شقی درس شقاوت

تابان همه جا نور حقیقت ز حسین علیه‌السلام است

پیدا همه جا راه شریعت ز حسین علیه‌السلام است

راهی همه کس سوی طریقت ز حسین علیه‌السلام است

باشد همه جا یاور و غمخوار حقیقت.

نتیجه‌گیری

هرچند تحریر مطالبی در زمینه تأثیر تشیع در ابنیه و اماکن مذهبی، کاری سخت و دشوار است، اما هنرمندان مخلص به وضوی مهر هر یک به سرسپاری به آل الله، شاه‌کارهای خود را در قباب آیینیه صحن و سرای مساجد و تکسیه‌ها و حسنیه‌ها و امام‌زاده‌ها و سقاخانه‌ها و زورخانه‌ها و ... عیان نموده‌اند تا از این طریق، به آیینیه‌بندی دل‌های مؤمنان بپردازند و دل‌ها را صفا بخشند و زنگار از آیینیه دل‌ها بزدایند و شک را برطرف

از دیدگاه معماری، زورخانه بنایی است مسقف که به وسیله پنجره‌ای که در سقف بنا تعبیه شده، ساختمان زورخانه نور می‌گیرد. گود زورخانه، که ورزش‌کاران در آنجا ورزش می‌کنند، پایین‌تر از سطح زمین قرار دارد تا ورزش‌کاران هنگام ورزش، نسبت به دیگران پایین‌تر قرار گیرند و در خود، احساس کبر و نخوت نکنند.

گود معمولاً به شکل کثیر الاضلاع است و به صورت چهارگوشه یا شش‌گوشه و هشت‌گوشه ساخته شده.

مفهوم «جوز سرشکستن» در زورخانه یعنی کبر و غرور را از خود دور کردن. بنابراین، در ورودی زورخانه را کوتاه می‌گیرند تا همه کسانی که وارد زورخانه می‌شوند، از ابوتراب حضرت علی علیه‌السلام و تواضع آن حضرت یاد کنند. سکویی به نام «سردم» برای نشستن مرشد زورخانه برپا می‌دارند و از آنجاست که مرشد دم به دم مدح حضرت علی علیه‌السلام می‌خواند و در اعیاد، مدیحه‌خوانی می‌کند و در وفیات، به خواندن مرثیه می‌پردازد. به جرئت، می‌توان حرمت و اعتبار ساختمان زورخانه را به تأثیر مستقیم تشیع پیوند

سازند و به دامن حقیقت بیاویزند:

باطل همه جا در بر حق بوده به تزویر

با خدعه دهد جلوه، همه کرده و تقصیر

شاید که شود تابش حق جمله کمی دیر

لیکن نرود جلوه ز رخسار حقیقت.

در طریق دل‌سپاری به این اماکن، باید متوجه باشیم که خرافات را حتماً از حیطة و حریم این اماکن دور نگه‌داریم. درود می‌فرستیم به روان هنرمندان جان‌شيفته و سلام بر هنرمندان مخلص که هر یک در آراستن و پیراستن این صحن و سراه‌ها جان صرف کرده‌اند و این اماکن را نه در بند یک ساختمان و متکی به مصالح مادی دانسته‌اند، بلکه بقاع متبرکه را از نفس قدسی و انفاس الهی اولیا آکنده‌اند.

هلا ای نگارگر چیره‌دست! دستان مریزاد که از مژگان خود قلم ساختی و از دوات خون‌بار چشم، جوهر سرخگون برگرفتی و شقاوت اشقیاء را بر دیوارهای بقاع متبرکه نمایش دادی و حلاوت و ظرافت نگاه اولیا را عیان ساختی و به نشان ماتم‌داری، شال‌عزا برگردن انداختی و بر سینه کوفتی و فریاد برداشتی که:

پشت نبی و آل نبی در جنان شکست

تا در جهان، سپاه‌شاه انس و جان شکست

در سینه‌شان ز شست و ز دست مخالفان

از هر طرف خدنگ خلید و سنان شکست.

بسیاری از جامعه‌شناسان وقتی در

باب جامعه‌شناسی دینی و مذهبی سخن

می‌گویند، به دقت قداست اشیا را در نظر

می‌آورند که این اشیا و مصالح در برکت

تقرّب به نیکان و پاکان مقدّس گشته‌اند.

امیل دورکیم، جامعه‌شناس معروف،

اشیاء را به «مقدّس» و «غیرمقدّس»

تقسیم می‌کند؛ برخی ستودنی و

ستایش‌کردنی و بعضی پست و به دور از

پاکی و تطهیر هستند. فکر و اندیشه انسان

نیز چنین است. این اندیشه پاک اهل تشیّع

است که به خاک بی‌مقدار جان می‌بخشد

و فلز را به‌دار می‌سازد و چوب و آئینه و

گچ را ارزش می‌بخشد و روان‌داز مزار

نیکان را به رنگ سبز و قدسی می‌آراید و

از اشعار دلنشین، شأن و مقام اهل تقدّس

را بازگو می‌کند و فریاد می‌زند که هلا!

بی‌وضو وارد گود مقدّس زورخانه نشوید

و بی‌نام علی علیه السلام، مرشدان با صوت جلی

مطلبی آغاز نکنند و با یاد فرزندان

علی علیه السلام مساجد را سیاهپوش سازند و

تکیه‌ها را در سوگواره بیارایند:

ره‌وراه پیمبر، حافظ دین مبینم

می‌روم سوی شهادت، تا بماند زنده دینم

وسایله‌ای است برای اهدافی مهم، و ابزاری است برای معرفی پیام متعالی و دعوت به سوی حق و هدف والای الهی و انسانی.

گفته‌اند:

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد

صد حجاب از دل به سوی دیده شد.
از کسانی که از سنگاب‌های آراسته و نقوش قدسی آب خورده‌اند، تا کسانی که در سقائفارها بر سینه کوییده و داغدار گشته‌اند، تا بانیان تکیه‌ها و حسینیه‌ها و عزاخانه‌ها و آینه‌بندان سقاخانه‌ها، همه می‌دانند که اگر معرفت و عشق در کار نباشد، زیبایی جلوه‌ای نمی‌یابد. سجده‌گاه‌ها و محراب‌ها و منبرها، رخت ماده را در عشق به اولیای خدا از خود دور می‌سازند و جنبه رمز و راز به خود می‌گیرند. اینجاست که تشیع راهی به دل‌ها می‌یابد و هنرمند شیعی هنر را با جهان‌بینی اهل تشیع درهم می‌آمیزد تا نگاره‌ها و ازاره‌ها و کنگره‌های هر ساختمانی را به نیکو وجهی مجسم سازد. انسان فقط گوشت و پوست نیست، قلب انسان خدای‌خانه است معمور. و احساس انسان کرانی ندارد، و چون می‌دانیم که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيَحِبُّ

گر شود پامال اسبابِ عدوی پُر ز کینم
این تن و جسم من و یاران با محنت قرینم
خوفی از دشمن ندارم، من شهید کربلایم
من حسین بن علی علیه السلام در دانه خیرالنسایم.

چنین مطالبی هستند که در و دیوار زیارت‌خانه‌ها را می‌آرایند و زوآر را به رعایت قداست مکان ملزم می‌نمایند. اینجاست که هنرمند و معمار شیفته‌جان وضو می‌گیرد و به نام الله و به یاد اولیاء الله سنگ بر روی سنگ می‌گذارد و سقاخانه جان می‌سازد و طفلان نقش را در قنداقه سنگ و بوم و چوب و گچ و پارچه آرامش می‌دهد.

آری، از رخ نیلگون کاشی تا سیمای زعفرانی آجر و از رخسار سپید گچ‌بری‌ها تا دل نازک شیشه‌ها - هریک - دربرگیرنده زیبایی‌های برگرفته از خط مشق هنرمندان عاشق رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولاد او و بنیانگذار مذهب شیعی علوی، حضرت مولی الموحدین علی علیه السلام، هستند.

این نکته در خور توجه است که چنین هنرمندانی صاحب‌دل، بی‌ریا و اهل صفا هستند و بسیار هنگام، هنر خود را وقف تحریر وقف‌نامه‌ها و کتیبه‌ها می‌نمایند؛ چرا که هنر، خود هدف نیست، بلکه

تدوین غلامحسین معماریان، ج ششم، دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۱؛

- محمد مهدی حرزاده و ملیحه حرزاده، «یزد شهر سقاخانه‌ها»، فصلنامه فرهنگی - پژوهشی فرهنگ یزد، سال ۴، ش ۱۲ و ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد؛

- حسین سلطان‌زاده، روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، آگاه، ۱۳۶۲.

- مهدی عباسی، تاریخ تکایا و عزاداری قم، ناشر: نویسنده، ۱۳۷۱؛

- عبدالله عقیلی، تاریخ آستانه ری، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰؛

- جابر عناصری، تجلی قرآن در قاب آیینة فرهنگ عاتمة ایران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قزوین، ۱۳۸۰؛

- _____، سلطان کربلا، (شرح واقعه عاشورا)، زرین و سیمین، ۱۳۸۲؛

- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، معروف، ۱۳۷۴.

الجمال»، پس زیبایی و قلمرو زیبایی و مباحث زیبایی‌شناسی را در تأثیر تشیع بر ائینه و اماکن مذهبی به آسانی درمی‌یابیم. هر صحنه که باشد خبر از گشتن مظلوم

آن صحنه، نشان از خط خون‌بار حسین علیه السلام است.

پی‌نوشت‌ها

1. Sociology of Co-operation.

2. Georges Gurviteh.

فهرست منابع و مآخذ

- سهراب اسدی تویسرکانی، پیام‌آوران خونین بال، ج چهارم، نشر مؤلف، ۱۳۸۱؛

- نادیا بنیادلو، سقاخانه‌های تهران، مؤسسه فرهنگی هنری پیشین پژوه، ۱۳۸۱؛

- کریم پیرنیا، آشنایی با معماری اسلامی ایران،